



An Inquiry into the Anthropological Understanding of Verses of the Holy Quran on Sex

(Received:2022/02/22-Accepted:2022/05/02)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.1400.6.6.12.5>

kavand , ali reza ¹

Abstract

According to theologians, religion is an integral component of human existence. Through religion, man seeks to analyze the world and life, the origin and end of existence. This is the main subject of sociology and anthropology, as it is considered an intellectual and cultural alternative to secular interpretations of the origin of human existence and relation to the world and life. For some, mythological thinking has become religious thinking and then scientific and objective thinking. Sex is the biological basis of human existence. Yet, seemingly, religion and sex are culturally incompatible. In this research, which has been done via a descriptive-analytical approach, we have dealt with the fact that the Qur'anic text deals with the subject of sexual intercourse as the basis of human existence and the way of life, with revelatory language and far from inferiority and with subtle phrases and selected words. The sexual interpretation of some verses is a function of the culture of the interpreter in the paradigm of social and anthropological analysis, which puts these cases in the category of human endeavors and therefore does not reflect the true meaning of the Qur'anic text 100%. It leaves according to its sanctity.

Keywords: Gender, religion, culture, anthropology, Quran interpretation

¹. Assistant Professor of Iran University of Holy Quran Sciences and Education, Qom, Iran, (Corresponding Author), motarjem60@yahoo.com

four period
The seven number
autumn and winter
2021-2022

نوع مقاله: پژوهشی

جستاری در فهم آنتروپولوژیک آیات جنسی قرآن کریم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۲/۰۳-تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.1400.6.6.12.5>کاوند، علیرضا^۱**چکیده**

به گفته دین شناسان، دین جزء اساسی وجود انسان است. از طریق دین، انسان به دنبال تحلیل جهان و زندگی، منشأ و پایان هستی است؛ این مساله، موضوع اصلی جامعه شناسی و مردم شناسی است، تا آنجا که یک جایگزین فکری و فرهنگی برای تفسیرهای سکولار از مبدأ وجود و رابطه انسان با جهان و زندگی قلمداد می شود. از نظر برخی، تفکر افسانه ای به تفکر دینی و سپس به تفکر علمی و عینی تبدیل شده است. رابطه جنسی اساس بیولوژیکی وجود انسان است. اما با این حال، به ظاهر، دین و جنسیت از حیث فرهنگی با هم ناسازوارند. در این تحقیق که با رویکرد توصیفی-تحلیلی صورت گرفته بدین پرداخته ایم که نص قرآنی به موضوع رابطه جنسی به این اعتبار که اساس وجود انسان و راه ادامه حیات هستی است، با زبانی وحیانی و به دور از پستی و با عباراتی لطیف و الفاظی برگزیده پرداخته است. تفسیر جنسی برخی آیات، تابع فرهنگ مفسر در پارادایم تحلیل های اجتماعی و آنتروپولوژیک است که این موارد را در زمره تلاش های بشری قرار داده و از این رو دلالت حقیقی نص قرآنی را ۱۰۰٪ بازتاب نمی دهد و این موضوع، مجال را برای خوانش دوباره نص قرآنی و تاویل دوباره آن مطابق با قدسی بودنش، بازمی گذارد.

کلید واژه ها: جنسیت، دین، فرهنگ، آنتروپولوژی، قرآن، تفسیر.

^۱. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران kavand@quran.ac.ir



امیل دورکیم، از جمله جامعه شناسانی است که به پدیده دین توجه بسیاری داشته و از طریق آن، مفاهیم جامعه شناسی دین را تاسیس کرده و در تحقیقات میدانی خود یک تفسیر اجتماعی از دین ارائه داده، با این توضیح که دین عبارت است از یک سری فعالیت های اجتماعی قابل احترام که جامعه همان فعالیت ها را تحت عنوان نمادهای دینی که دارای صفت «مقدس» هستند انجام می دهد. وی دیدگاههای اجتماعی خود در مورد دین را در کتاب «صور بنیانی حیات دینی» بیان کرده، و از طریق مطالعات میدانی و تطبیقی خود در مورد مفهوم دین توانست مفهوم هر یک از کلمات «مقدس» و «نامقدس (پلید، دنیوی)» و همچنین مفهوم (وجدان و خرد اجتماعی) را بیان کند، همچنین مطالعات وی منجر به امکان فهم دین بر طبق دیدگاه آنتروپولوژی (مردم شناسی، انسان شناسی) شد که در این دیدگاه مفاهیم تغییر کرده و مفاهیم دینی، ویژگی مقدس یا نامقدس بودن را از حقیقت تعامل اجتماعی و تغییرات اجتماعی کسب می کنند، که این موضوع اجازه می دهد پدیده دین به صورت علمی و بدور از مباحث لاهوتی بررسی شود. از طریق این مطالعات، می فهمیم که امکان جمع میان مفاهیم مقدس و نامقدس در تفاسیر برخی عالمان که آمیخته با فهم بشری بوده و در مورد پاره ای آیات قرآن کریم ارائه شده، وجود دارد؛ زیرا طبق این مطالعات، دین «یک رفتار اجتماعی» است که تابع تغییرات بشر و فهمش در مورد رابطه میان مرد و زن و انگیزه های غریزی و بیولوژیکی آن بوده، و دین نمی تواند یک مفهوم «دینی» به معنای ماورایی و صادره از جانب خداوند باشد. ماکس وبر، مسؤولیت تعداد زیادی از پژوهشهای جامعه شناسی انجام شده در مورد پدیده های دینی را عهده دار بوده که به همین سبب می توان وی را مؤسس شاخه جامعه شناسی نوین دینی در علوم جامعه شناسی قلمداد کرد.

بحث حاضر، شاخه های مختلفی از دانش آنتروپولوژی را شامل می شود، زیرا به خاطر توجه به بدن انسان به عنوان وسیله فعالیت های جنسی، شامل آنتروپولوژی فیزیکی یا عضوی می شود، و به اعتبار اینکه جنسیت، اساس وجود انسانی است، شامل آنتروپولوژی فرهنگی و اجتماعی نیز می شود؛ همچنین به خاطر اشاره های قرآنی و معانی لغات و اشارات تفسیری به کار رفته در موضوع رابطه جنسی، شامل آنتروپولوژی لغوی و دینی نیز می شود.

ضروری است قبل از پرداختن به این مباحث، تعریفی از ماهیت آنتروپولوژی و برخی اهداف آن در بررسی موضوع این تحقیق که دو مفهوم: دین و رابطه جنسی را به عنوان دو ماده مهم مطالعات اجتماعی از حیث جسمی و روانی بررسی می کند، ارائه دهیم.

گسترده‌گی این مبحث ایجاب می کند که مفاهیم جنسی به کار رفته در برخی از سوره های قرآن و تفاسیر برخی آیات، به علت اهمیت این رابطه انسانی، بررسی شوند. برای درک این موضوع کافی است که ارتباط میان دین و رابطه جنسی را در آیات مرتبط بدانیم، به عنوان مثال: قرآن با فاتحه شروع شده است و فاتحه نیز با بسم الله و بسم الله ذکر برای دفع ضرر شیطان در ارتباط جنسی و خلوت مرد با زن است؛ سپس در آیه اول، خدا را به خاطر این ارتباط باید سپاس گفت. همچنین، سوره بقره که داستان اصلی آن داستان عشقی است که به قتل انجامید؛ به همین ترتیب تا آخر سوره ناس باید چنین دقت‌های تفسیری ای داشت.

پاسخ دادن به تمام مسائل این مبحث نیازمند پژوهشی کامل است که در این مجال، مختصر اشاره ای در این زمینه خواهیم داشت؛

۱- رابطه جنسی و پژوهش آنتروپولوژی:

آنچه که پژوهش های مربوط به رابطه جنسی را در محدوده آنتروپولوژی قرار می دهد تحقیقات اولیه در مباحث انسان شناسی است. تحقیقاتی که در آنها جسم انسان، موضوع پژوهش های بیولوژیکی است؛ در این زمینه می توان به واژه جسد در قرآن کریم: (اعراف: ۱۴۸) و (طه: ۸۸) و (انبیاء: ۸) و (ص: ۳۴) مراجعه کرد؛ با وجود قدیمی بودن این اصطلاح در تاریخ انسان شناسی، اما استفاده رسمی آن به پایان قرن ۱۹ و شروع قرن ۲۰ برمی گردد. زمانی که توجه به آن خصوصاً در محافل فرهنگی انگلوساکسون ها (انگلیس و آمریکا) زیاد شده بود. در این مرحله، مطالعات بیشتر بر روی آنتروپولوژی بیولوژیکی یا فیزیکی بود، یعنی جسم آدمی مرکز و محور اصلی مطالعات آنتروپولوژی قرار گرفته بود، اما پس از آن، دو موضوع جسم و رابطه جنسی، در یک موضوع به نام آنتروپولوژی اجتماعی جمع شدند» (تیلوین، ۲۰۰۱م: ۱۷).



وقتی به مهمترین موضوعاتی که آنتروپولوژی دینی به آنها پرداخته توجه کنیم درمی یابیم که در صدر این موضوعات، بحث خلقت و آفرینش انسان قرار دارد. مشهورترین داستان در ادیان آسمانی، قصه آدم و حوا است. در جزئیات داستان، تفاوت‌هایی میان ادیان وجود دارد اما در اصل کلی آن، که همان رشد جامعه انسانی به سبب رابطه جنسی میان آدم و حواست اختلافی وجود ندارد.

«یکی از مفاهیمی که میان مردم رایج است و برخی از سرگرمان علم، و نه دانشمندان مشهور، آن را نقل می‌کنند این است که حوا کسی بود که آدم را به گناه انداخته و این موضوع، حکم شروع سلسله سرزنش زن را دارد... (بوحدیبه، ۲۰۰۱م: ۱۰).

این تصور وجود دارد که زن منشا خطا و مصدر عصیان آدم است، هر چند این فکر با آیه صریح قرآن در تضاد است. زیرا آیات قرآن گناه را به آدم نسبت می‌دهند و نه به حوا، آنجا که می‌فرماید: ﴿وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ﴾ (طه/ ۱۲۱)، همراه با مجازات مشترک هر دو، پس از آن گناه، طبق ﴿قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ﴾ (طه/ ۱۲۳). همین موضوع که گناه از جانب حوا بوده، باعث شده که این گناه را به رابطه جنسی تاویل نموده و ممکن است منشأ نامقدس دانستن این رابطه نیز همین موضوع باشد، در حالی که نافرمانی از آدم و حوا مشترکا انجام شده خصوصاً اگر این تفسیر را بپذیریم که مراد از درخت منع شده همان نزدیکی جنسی بوده است، در این صورت، واضح است که این گناه تنها از جانب آدم نبوده بلکه حوا نیز شریک بوده است. همین موضوع، علت وجود دیدگاه به هم تنیدگی مفهوم دینی «ماورایی» مقدس، با مفهوم زمینی و ناسوتی «رابطه جنسی» نامقدس شده، که آن را یکی از موضوعات علم آنتروپولوژی قرار داده است (بوحدیبه، ۲۰۰۱م: ۱۰).

همین دیدگاه به هم تنیدگی و تداخل، علت ربط موضوع رابطه جنسی با آنتروپولوژی دینی را تبیین می‌نماید؛ زیرا آنتروپولوژی، به دین به اعتبار یک پدیده مهم اجتماعی در جامعه انسانی توجه می‌کند. در حقیقت، آنتروپولوژی علمی از میان علوم انسانی است که به شناخت انسان

four period
The seven number
autumn and winter
2021-2022

از تمام ابعاد توجه می کند و انسان را از حیث ارزش هایش از قبیل: ارزش های زیبایی، دینی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و دستاوردهای فرهنگی اش مطالعه می کند (تیلوین، ۲۰۱۱ م: ۱۹-۲۰). کلمه آنتروپولوژی در قرن ۱۷ به علمی اطلاق می شد که در مقابل کیهان شناسی و الهیات قرار داشت (تیلوین، ۲۰۱۱ م: ۲۰).

به گفته جعفر نجم نصر، آنتروپولوژی دینی، موضوعی حساس و پیچیده است؛ به اعتقاد وی، دو ویژگی هستند که همیشه با مطالعات در زمینه آنتروپولوژی دینی وجود داشته اند که این دو ویژگی، حساسیت و پیچیدگی است. مراد از حساسیت، حرکات و آشوب‌هایی می‌باشد که این مطالعات و تحقیقات، در محافل دینی خصوصاً محافل دینی متعصبان ایجاد کرده است. مراد از خصوصیت دوم که از خصوصیت اول مهمتر است، مفهوم گسترده دین است که به عنوان یک موضوع مورد تحقیق، از چهارچوب مطالعات آنتروپولوژی و جامعه‌شناسی خارج می‌شود؛ زیرا دین در این مقایسه، داخل قالب های خشک قدیمی جای نمی‌گیرد بلکه یک سبک فکری و رفتار تغییر پذیر و متحرک است که تمام زمینه های زندگی روزانه را لمس می‌کند و دارای تاثیر و تاثر است، در نتیجه با چنین معنای گسترده‌ای، از چهارچوب قوانین و تعاریفات این علوم تجاوز می‌کنند» (نصر، ۲۰۱۷ م: ۱۰).

حساسیت مطالعات آنتروپولوژی دینی زمانی افزایش می‌یابد که آن را با تابوی اجتماعی دیگری به نام رابطه جنسی مرتبط کنیم. از نگاه قرآن، می‌توان موضوع تابوهای جنسی را، با دلیل و منطق، به روش علمی بررسی کرد. آنجا که قرآن به موضوع دفاع حضرت ابراهیم از قوم لوط که دچار بی‌بندوباری جنسی بودند اشاره می‌کند: ﴿فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ﴾ (پس از آنکه ترس ابراهیم از بین رفت و بشارت دهندگان نزد او آمدند، او در مورد قوم لوط با ما مجادله نمود) (هود/۷۴). بعد از آن آمده که فرشتگان از حضرت ابراهیم خواستند که مجادله در مورد این قوم را رها کند زیرا حکم عذاب الهی قطعی است و راه برگشتی نیست. همین‌طور «نامقدس» دانستن رابطه جنسی - که سبب بقای نسل بشر است - ادعای دیگری است که محل بحث است زیرا نمی‌توان احساس برخاسته از تحقق شهوت حیوانی را سبب پایین



آمدن و تنزل مقام و ارزش انسانیت دانست، حال آنکه سبب طبیعی وجود انسان همین رابطه است. پس باین همه، نمی توان آن را به عمل حیوانی نسبت داد (بوحدیثه، ۲۰۰۱م: ۱۱).

این موضوع سبب طبیعی (بیولوژیکی) وجود انبیا و صالحین و به طور کلی تمام مخلوقات است، ﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (ذاریات / ۴۹).

علت این امر که در رابطه جنسی میان مرد و زن، دیدگاه های «مقدس» با «نامقدس و پلید» با هم خلط می شوند، به دیدگاه های اجتماعی مربوط به رابطه جنسی مرد و زن و حدود مجزاین رابطه برمی گردد، زیرا مطلق «رابطه جنسی» از دیدگاه های اجتماعی پیروی می کند و اختلاف دلایل تحریم «همجنسگرایی» نشان می دهد که دیدگاه های اجتماعی همیشه تغییر می کنند و ثابت نمی ماند. به گفته رسول خدا ﷺ: هر کسی را درحالی یافتید که عمل قوم لوط یعنی همجنس بازی را انجام می دهد هم فاعل و هم مفعول را بکشید. این حدیث صریحی است که قتل را به عنوان مجازات این عمل نامقدس واجب می داند. در منابع اهل سنت، احمد بن حنبل، ابو داوود، ابن ماجه، حاکم نیشابوری و بیهقی از عکرمه از ابن عباس این حدیث را روایت کرده اند و با وجود چیزی شبیه اجماع در حکم این مسئله، نسائی آن را انکار کرده است. این حدیث با سندی دیگر، ابن ماجه و حاکم نیشابوری نیز از ابوهیره نقل کرده اند که اسنادش از حدیث اول بسیار ضعیف تر است (عظیم آبادی، ۱۴۲۶ق: ۱۲/۱۵۷). ما شاهد همین اختلاف در میان علمای اهل سنت در مورد حد (مجازات شرعی) همجنس باز هستیم. شافعی در قول مشهور ترش و ابویوسف و محمد، قائل به این هستند که مجازات فاعل مانند مجازات زناکار است، یعنی اگر متاهل بود سنگسار شود و گرنه صد ضربه شلاق زده شود. و مجازات مفعول بر اساس این دیدگاه نزد شافعی صد ضربه شلاق به همراه یک سال تبعید است، چه مرد باشد و چه زن و چه متاهل باشد چه مجرد. گروه دیگر می گویند، لواط گر چه مجرد باشد و چه متاهل باید سنگسار شود و مالک و احمد بن حنبل و یک قول دیگر از شافعی، قائل به عمل به ظاهر حدیث هستند، یعنی کشتن فاعل و مفعول؛ در مورد نحوه کشتن، برخی می گویند بر سر آنها دیوار خراب شود و برخی دیگر گفتند باید مانند قوم لوط از مکان بلندی انداخته شود؛ ابوحنیفه نیز همین دیدگاه

را دارد و قائل به حد نیست. (مبارکفوری، ۱۳۵۲ق: ۵/ ۱۷)؛ در منابع شیعه نیز حرمت لواط ازلسان معصومین علیهم‌السلام نقل شده اما بیش از اهل سنت، بر عقوبت اخروی آن تاکید شده است که در این زمینه می توان به کافی: ۵/ ۵۴۴ و وسائل الشیعه: ۲۰/ ۳۳۹ و سایر منابع مراجعه کرد؛ همچنین در منابع شیعه از امام علی علیه‌السلام نقل شده: ﴿لَوْ كَانَ يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يُرْجَمَ مَرَّتَيْنِ لَرُجِمَ اللَّوْطِيُّ﴾؛ اگر سزاوار بود که کسی دو بار سنگسار شود هر آینه لواط کننده این چنین سنگسار می شد. (کلینی، ۱۳۶۳ش: ۷/ ۱۹۹)؛

ظاهراً پرداختن به موضوع نامقدس بودن یک موضوع، صرفاً دینی (فقهی) است اما موضوعات دینی زیادی هست که مورد توجه دانش آنترپولوژی است. اهتمام آنترپولوژی به مطالعه دین از اهتمام جامعه شناسی به همین موضوع کمتر نیست، اما بیشتر دانشمندان آنترپولوژی به تصورات و اعتقادات ابتدایی، توجه می کنند که در میان ملل دور افتاده و ساده در آسیا و آفریقا و جهان جدید رواج یافته است. این پژوهش‌ها به پژوهش های مقدماتی معروف شده اند و مطالعات ایوانز پریچارد؛ پیرامون معتقدات قبیله نوئر در جنوب سودان، یک نمونه مهم از این دست از مطالعات و تحقیقات است. (احمد، ۲۰۱۲م: ۵۹/ ۲۸)

اکنون که ارتباط میان پژوهش دینی و پژوهش آنترپولوژی در این موضوع معلوم شد، به بررسی ارتباط این موضوع با آنترپولوژی لغوی می پردازیم تا شرح حقیقت رابطه جنسی را در جامعه عرب به عنوان کلمه ای که دارای اشارات و اسرار و رموز فرهنگی است، بیابیم تا شاید بتوان اشارات آن را در دوگانه «نامقدس و مقدس» طبقه بندی کرد. این موضوع در پژوهش های کلیفورد گیرتز وجود دارد. پژوهش‌هایی که مبنایش بر روش فهم وبری استوار است و بر بررسی نمادها و معنایی‌هایی که مردم جامعه از آنها برای شرح کارهایشان استفاده می کنند تاکید می کند. گیرتز، اسلام در اندونزی و مراکش را با هم مقایسه کرده است، و بررسی کرده که چطور مجموعه ای از رموز و شخصیات محوری، نقش مهمی را در تجسم تعابیر مهم ایفا می کنند که این تعابیر

¹ Evans-Pritchard (1902-1973).

² Clifford Geertz (1926-2006).

^۳ . اشاره به اندیشه های ماکس وبر، جامعه‌شناس و اقتصاد دان آلمانی (۱۹۲۰-۱۸۶۴)



فقط شامل آن فعالیت های دینی نیستند که پیرامون مفاهیم مقدس و برکت و اهمیت نقش سرپرست درزندگی مردم، می چرخند بلکه درچگونگی ساختن متون دینی که درآینده سبب ایجاد معانی جدیدی که سبب اصلاح یا تغییر دینی می شوند نقش دارند» (احمد، ۲۰۱۲م: ۵۹/۳۰).

درواقع، می توان بسیاری از احکام دینی را حاصل فعالیت های فهم بشری شمرد و تقدسی که این احکام دارند را می توان به مقدس بودن گوینده یا خود متن نسبت داد که در این مجال، مقصود ما، منطوق کلام رسول خدا ﷺ و یا وحی نازل شده به ایشان است.

تقریب آنتروپولوژی به طبیعت کلمه «مقدس» و تفکیک اسباب قدسیت یک چیز، به ما این اجازه را می دهد که چه بسا بدون توجه به هاله قدسیت موجود پیرامون یک شیء مقدس به بررسی آن بپردازیم و شاید پژوهش های آنتروپولوژی دینی با محوریت انسان اجتماعی و انسان فرهنگی، به ما کمک کند، که چگونه فکر کنیم و ارزش ها و افکار خود را بسازیم، و در این صورت می توان بر اعتقادات اضافی سیطره، یافت و به استاندارد سازی افکار و معتقدات پرداخت، بلکه فهم تاریخ انسانی را برگردانیم و بفهمیم چگونه زمانی، مصلحت ها پایه معتقدات راسخ مردم در میدان های مختلف بود، و چگونه مصالح و ترس های ما تبدیل به فلسفه ها و عقایدی شدند که درجنگ با دیگران به آنها چنگ می زدیم» (غرابیه، ۲۰۱۸م: ۳۲/۶۵) و بفهمیم چگونه درطول تاریخ، «مقدس» و «نامقدس» جایگاهشان طبق فهم بشر و جلو رفتن زمان و اختلاف ابزارهای تاویل، تغییر کرده است.

این موضوع کمک می کند که تفسیرات «عقلی» برای آنچه برخی، «مقدس» دانسته اند ارائه شود؛ درحقیقت، وقتی بسیاری از موضوعات مقدس - خصوصاً آنهایی که مربوط به رابطه جنسی هستند - تابع خواهش ها و دیدگاه های اجتماعی نباشد، به این شکل، امکان رفع قدسیت از مصادرتقدیس آن موضوعات، و یا رفع هاله نامقدس بودن از برخی موضوعات فراهم می شود؛ البته در محدوده ای که جامعه به آن راضی باشد و آن را بپذیرد.

four period
The seven number
autumn and winter
2021-2022

به گفته ماروین هریس، تفسیر عقلانی برای حمایت از رفتارها و عقاید دینی ارائه می‌شود تا به این وسیله جنبه مثبت آنها را نشان دهد و اعمال و افکار مفید را به مقدسات دینی تبدیل کند، یا به عبارت دیگر، تفسیر عقلانی به این منظور ارائه می‌شود تا از فکر غلطی که به سبب تحریم الهی بر نظام اقتصادی و اجتماعی ضرر می‌زند جلوگیری کند، و محرمات و مقدسات را در وظایف اجتماعی و اقتصادی به کار گیرد. طبیعتاً این یک روش قدیمی در فهم علمی و عقلانی دین می‌باشد و فرقی نمی‌کند که از جانب خداشناسان باشد یا جامعه‌شناسان و یا انسان‌شناسان» (غرایبه، ۲۰۱۸م: ۳۲ / ۶۱). درپرتو آن می‌توانیم درک کنیم که مثلاً چرا در زمان‌های گذشته بازارهای برده فروشان وجود داشت که در آنها زنان فروخته می‌شدند و فروشنده به خریدار کنیز کمک می‌کرد و هیچ‌گونه حس انکار اجتماعی در آنها وجود نداشت بلکه حتی فقهای آن زمان، بین عورت زنان آزاد و زنان برده فرق قائل می‌شدند، عورت زن کنیز را مانند عورت مرد، یعنی از زیر ناف تا زانو می‌دانستند، و این موضوع تا عصرهای بعدی باقی ماند بدون اینکه زشت و پلید قلمداد شود.

۱- دیدگاه آنتروپولوژی لغوی در مورد حقیقت رابطه جنسی در جامعه اسلامی عرب:

جامعه عربی جاهلی در زمینه رابطه میان مرد و زن، سبک زندگی آزاد و رهایی داشتند. زن در این زندگی، حلقه ضعیف‌تر بود. در قوانین فرهنگی عرب، زن موضوع رابطه جنسی بود که این رابطه تابع عرف‌های موجود در جامعه انسانی بود و بین دو چیز در حال تغییر بود، بین عفتی که مانع یکجا جمع شدن زن و مرد خارج از رابطه ازدواج می‌شد، مانند این سخن «عتره بن شداد»: واغض طرفی ان بدت لی جارتی*** حتی یواری جارتی ماواها؛ (اگر کنیزم جلویم ظاهر شود چشمم را پایین می‌اندازم تا زمانی که کنیزم خود را پنهان کند). از سوی دیگر بین هرزگی که شعرا و نویسندگان و مورخان در آن برهه زمانی ثبت کرده‌اند. همچنین زندگی جاهلی شاهد بی بند و باری و هرزگی ای بوده که به مرد و زن اجازه می‌داد بدون هیچ قید و شرطی با هم رابطه آزاد جنسی داشته باشند و این آزادی به مَجون (هرزگی و بی بند و باری) توصیف

1. Marvin Harris(1927-2001)



می شد و این توصیف درزمره کارهای "نامقدس" بود، با وجود اینکه فقط یک رفتار اجتماعی بود که عرف جامعه، در رابطه جنسی را رعایت نمی کرد. مجنون یعنی اینکه انسان به آنچه انجام می دهد اهمیت ندهد و توجه نکند و یا کسی است که به آنچه خودش می گوید یا برای او گفته می شود بی مبالا باشد. (ابن منظور، ذیل ماده «مجن»))

این آزادی جنسی تا مدتها بعد از ظهور اسلام هم ادامه داشت و حیات معاصر نیز نتوانسته بر آن غلبه کند و همین موضوع باعث شده که برخی بگویند دیدگاه عرب ها در مورد رابطه جنسی، در آزادی و بی بندوباری آن خلاصه می شد؛ آنها هیچ فشاری، هنگام صحبت در مورد زن و رابطه جنسی مرد و زن احساس نمی کردند و سبب تحجر و تعصبی که امروزه وجود دارد، همان آزادی و بی بند و باری گذشته بوده است (منجد، ۱۹۵۸م: ۵۶). همچنین باید دانست که واژه «جنس» معنای فاحشگی نمی دهد خصوصاً در جامعه انسانی عرب، بلکه به معنای «عریّت» نزد آنها تغییر مفهومی داده است. جالب است که (إعراب) و (تعریب) به معنای فحش و کلام زشت است. ابن عباس می گوید: در آیه (فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقًا) رَفَثٌ به معنای «عریابه» در کلام عرب است. «عریابه» اسم ساخته شده از تعریب است به معنای کلام زشت» (سامرائی، ۱۹۷۹م: ۷۱).

از بارزترین مثالها در این موضوع، نحوه نامگذاری افزایش سن زن است که تابع اعتبارات جنسی است بدین شکل که پستانها و قدرت جنسی زن، نشان دهنده کوچکی و بزرگی سنش است و ما می بینیم که عرب ترتیب سنی زن را بر اساس این ترتیب جنسی نامگذاری کرده بدین ترتیب که «طفله» وقتی است که نوزاد باشد؛ سپس «ولیده» وقتی است که حرکت می کند، سپس «کاعب» وقتی است که پستانهایش برآمده می شود، سپس «ناهد» وقتی است که بزرگتر می شود، سپس «مُعصر» زمانی است که به درک و فهم برسد، سپس «عانس» زمانی است که از حد «مُعصر» رد شود، سپس «خود» زمانی است که به نیمه جوانی برسد؛ سپس «مُسلَف» وقتی است که از ۴۰ سال بگذرد، سپس «نَصَف» وقتی است که به میانسالی برسد، سپس «شَهْلَه و کَهْلَه» زمانی است که به ابتدای بزرگسالی برسد و هنوز توانمند باشد و سپس «شَهْرَه» زمانی است که ناتوان شود و هنوز پایدار باشد، سپس «حِیَیُونَ» زمانی است که سنش بالا و توانش کم باشد و سپس «قِلْعَم»

four period
The seven number
autumn and winter
2021-2022

و «لَطْلَط» وقتی است که کمرش خمیده و دندانش ریخته باشد و... (نک: ثعالبی، بی تا: ۱، صص ۱۲۶-۱۲۷).

پس از آمدن اسلام، رابطه های جنسی قانونمند شدند به این صورت که شکل‌های خاصی از این رابطه ها از سوی اسلام، حرام اعلام شد و برخی صور آن، بدون مشکل قلمداد گشت؛ حتی برخی دیگر، به طور موقتی مشروع دانسته شد؛ به عکس اهل تشیع، اهل سنت ازدواج موقت مشروع را پس از مدتی با بدعتی که خلیفه دوم، گذاشت، حرام اعلام کردند.

اما نکته مهم این است که اسلام در برخورد با رابطه جنسی در زمان خودش تابع جامعه بوده که این موضوع باعث پرداختن علمای بزرگ به این موضوع شد به طوری که مسائل آن را در تالیفات خود به شکل دقیق و تفصیلی آورده‌اند؛ البته این بحث ها از محدوده دینی خارج نمی شدند. حتی برخی اهل سنت آنچنان بر حرمت مساله متعه و عقد موقت اصرار داشتند که باعث شد تا مدت زمانی طولانی، این موضوع، در زمره مسایل فحشا و بی بند و باری و یا زنا و به تعبیر امروز، پورن و هرزگی زن یا مرد تلقی شود. با اینکه در خود جامعه اهل سنت، ابتدا در صدر اسلام، متعه حلال و جایز بود و حتی مورد سفارش نیز بود و مقدس شمرده می شد ولی در طول زمان به اندازه ای نامقدس جلوه داده شد که چنین صفتی برای آن، پس از ۱۴ قرن، همچنان صفت رایج متعه میان اکثریت اهل سنت است.

از سوی دیگر، مقوله تقدیس دینی شهوت انسانی از نگاه برخی، و ناپاکی و پلیدی آن از نگاه برخی دیگر، باعث شد که نهایتاً گروهی معتقد شوند که نمی‌توان رابطه جنسی را در زمره کارهای نامقدس و پلید قرار داد زیرا سبب اصلی وجود و ازدیاد بشر و برخی از حیوانات، همین رابطه جنسی و شهوت است و توصیف رابطه جنسی به خوی حیوانی، ارزش والای آن را کاهش داده است؛ واقعا، چگونه می‌توان احساس برخاسته از شهوت حیوانی را سبب پایین آمدن و تنزل مقام و ارزش انسانیت دانست، حال آن که سبب طبیعی وجود انسان، همین رابطه است؛ مشخص نیست چگونه برخی، با این اوصاف، آن را به حیوانیت نسبت می‌دهند (بوحدیبه، ۲۰۰۱م: ۱۱).

1 . Pom



یکی از مواردی که بالا بودن ارزش این رابطه را نشان می‌دهد به کار رفتن معانی مرتبط با رابطه جنسی در قرآن است؛ الفاظی مانند: «زوج (همسر)» و «آبناء (فرزندان)» به اعتبار اینکه نتیجه این رابطه هستند، همچنین زمین کشاورزی بودن زن برای مرد (بقره/۲۲۳)، لباس بودن زن و مرد برای همدیگر (بقره/۱۸۷)، همخوابی (مباشره) (بقره/۱۸۷)، «مضاجع» (تختخوابها) (سجده/۱۶)، نکاح کنیزکان (نور/۳۲) و....

قرآن بدون هیچ ابایی، با اسلوب مناسب قدسیت نص‌اش، به این موضوع پرداخته، به طوری که از الفاظ والای قرآن در ارتباط با رابطه جنسی می‌توانیم به والا بودن قرآن و پاکی اسلوب و زیبایی اشاراتش و توجه شگرفش به این موضوع پی ببریم؛ قرآن از رابطه جنسی، گاه به مباشره، گاه ملامسه، گاه مواجهه، گاه افضاء، گاه مضاجعه و گاه ایتیان یاد می‌کند. بنابر این ضروری است که آیات مرتبط با آن مورد بررسی قرار گیرد:

﴿فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ﴾ (بقره/ ۱۸۷) (پس اکنون با آنان آمیزش کنید)، ﴿لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ﴾ (نساء/ ۴۳، مائده: ۶۰) (زنان را لمس کردید). ﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾ (بقره/ ۱۸۷) (حلال شده است برایتان در شب روزه آمیزش با زنان، آنان پوششی هستند برایتان و شما پوششی هستید برای آنها). ﴿فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ (بقره/ ۱۹۷) (پس (روا) نیست آمیزشی و نه نافرمانی ای و نه ستیزی). ﴿وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ﴾ (بقره/ ۲۲۲) (و نزدیک مشوید به آنان تا آنکه پاک شوند، پس چون پاکی ورزیدند (غسل کردند) به آنها درآید).

با تدبر در این آیات می‌توان شاهد اشارات زیبا و لفافگی برخی الفاظ و کنایه های زیبای موجود در آن بود: ﴿وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ﴾ (فَلَمَّا تَغَشَّيْ هَا)، ﴿لَمَسْتُمْ﴾ یا تشبیه های چشمگیر مانند تشبیه زنان به کشتزار ﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ﴾ (زنانتان کشتزاری برای شما هستند پس درآید به کشتزارتان هرگونه که خواهید).

four period
The seven number
autumn and winter
2021-2022

در میان اخباری که در تاریخ اسلام وجود دارد، اخباری در خصوص رابطه های جنسی نامتعارف و غیر شرعی، نقل شده که برخی مورخان و نویسندگان، پاره ای از آن مسایل را نقل کرده اند؛ درحقیقت به خاطر هاله تقدیسی که اصل این رابطه را احاطه کرده، هر رابطه دیگری میان زن و شوهر که خارج از محدوده ازدواج است، جزو پلیدترین و نامقدس ترین روابط انسانی برشمرده شده است. به عنوان نمونه، دو مورد ازدوجنسه ها در زمان رسول خدا ﷺ را ذکر می کنیم: عبد الله بن میمون قدّاح گوید: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام و ایشان از پدران خود علیهم السلام روایت نمود:

«در مدینه دو نفر بودند که یکی «هیت» و دیگری «مانع» نام داشت. این دو نفر - در حالی که پیامبر خدا ﷺ می شنید، به شخصی می گفتند: هنگامی که سرزمین طائف را - ان شاء الله - فتح نمودید، دختر غیلان ثقفی را به دست آورید، چرا که او شوخ، زیبا اندام و کمر باریک و دارای دندان های زیباست؛ وقتی می نشیند، ران هایش از هم فاصله می گیرد و وقتی که سخن می گوید، آوازی خواند؛ به سرعت رو می آورد و به کندی رو برمی گرداند و وسط پاهایش شبیه کاسه است. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شما مردان نیازمند ازدواج نیستید و [بیمار جنسی هستید و دنبال شهوت رانی هستید]؛ به همین جهت پیامبر ﷺ دستور داد آن دو نفر را از شهر بیرون کردند و به مکانی بردند که نامش «عرايا» بود؛ آن دو نفر، جمعه ها برای خرید و فروش به بازار مدینه می آمدند.» (کلینی، ۱۳۶۳ش: ۵/۵۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۲/۸۸؛ همچنین نک: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق: ۹/۴۱۲)

این حدیث به وجود یک گروه مردود اجتماعی اشاره می کند که به علت وجود علائم خاص جنسی، از تعریف رابطه جنسی سالم خارج شده بودند. این علائم که معروف به علائم دوجنسه ای یا همان ترنس سکچوال^۲ می باشند باعث می شود که در صورت ازدواج، جنس سومی به وجود بیاید که نه مرد هست و نه زن. مجازات رسول خدا ﷺ برای آنها، نتیجه رفتار زشت و ناپاک اجتماعی آنها می باشد و ربطی به اعضای دوجنسه این افراد که نشأت گرفته از اصل

۱. مانع، طبق نسخه ابن حجر

2. Transsexual



خلقتشان است ندارد زیرا این موضوع خارج از اختیار آنان بوده است. اگر رفتار جنسی اجتماعی این افراد نشأت گرفته از اصل خلقت این افراد می بود، پیامبر به خاطر این نوع رفتارشان آنها را مجازات نمی فرمود.

از مواردی که نشانگر مرز باریک میان مقدس بودن و نامقدس بودن در عرف فرهنگی است، گستردگی بازارهای برده فروشان در دوران تاریک جاهلی و اندکی پس از ورود اسلام به جزیره العرب است، که البته هنوز هم نمایش زیبایی های زنان و چانه زنی صاحبش برای فروش، به عنوان یک پدیده اجتماعی، متأسفانه منقرض نشده و در جوامع غیر اسلامی هنوز هم چنین ستمی به زن، قابل مشاهده است. از سوی دیگر، کتاب های ادبی ای در طول تاریخ اسلام نوشته شده که به صورت شعر و یا نثر، پیرامون روابط زناشویی است؛ حتی در دوران اخیر، کتاب هایی نوشته شده که نمی توان آنها را در زمره آثار ناصحیح و منحرف شمرد، بلکه می توان آن را در محدوده آنتروپولوژی فرهنگی قرار داد، زیرا می تواند به موضوع رابطه جنسی به ظاهر نامقدس، درون کتب مقدس دینی بپردازد؛ در ضمن یکسری تالیفات، موضوعات جنسی ای مطرح شده که در لغت قدیمی، آن را «جماع» و در لغات امروزه آن را «رابطه جنسی» یا «اروتیسم (تن کامگی)» می نامند؛ در این کتابها به معانی و مقاصد نامقدس رابطه جنسی، اشاره نشده بلکه تعبیری که در آنها آمده نشان دهنده تقدیس رابطه جنسی در محدوده دین و زندگی مشترک زناشویی است؛ عموماً عناوین این کتابها، نشان دهنده بهار، تجدد زندگی و دوباره زنده شدن، تولد و... است، کتابهایی مانند:

۱- الروض العاطر فی نزهة الخواطر، اثر علامه شیخ محمد النفزاوی.

۲- تحفة العروس و منعة النفوس اثر محمد بن أحمد التّجانی

۳- رجوع الشيخ إلى صباه فی القوة علی الباه، اثر ابن کمال پاشا

۴- زهر الربیع، اثر شیخ الجزائری

۵- نزهة الألباب فیما لا يوجد فی کتاب، شهاب الدین أحمد التیفاشی

۶- بستان الراغبین، محمد مصطفی العدوی

four period
The seven number
autumn and winter
2021-2022

حتی برخی مفسران قرآن در تالیفات خود درباره اصطلاح رابطه جنسی، بی پرده و مستقیماً و بدون کنایه و تلمیح مطالبی مرقوم داشته اند و حتی برخی چون سیوطی که مفسر قرآن است، به این موضوع در عنوان کتاب هایشان اشاره کرده اند مانند: «النواضر الأیك فی معرفة النیک»، نوشته سیوطی. برخی علمای دین که آثار ارزشمند و مقدسی نوشته اند در این موضوعات نیز کتاب نوشته اند. حتی خود سیوطی آثار متعددی در همین زمینه نوشته که عبارتند از:

- ۱- الإیضاح فی أسرار النکاح (دردو جلد: جلد اول: فی أسرار الرجال، جلد دوم: فی أسرار النساء)
- ۲- شقائق الأترنج فی رقائق الغنج.
- ۳- مباسم الملاح و مناسم الصباح فی مواسم النکاح.
- ۴- نزهة العمر فی التفضیل بین البیض و السود و السمیر.
- ۵- نزهة المتأمل و مرشد المتأمل.
- ۶- الوشاح فی فوائد النکاح.
- ۷- الیواقیت الثمینه فی صفات السمینة.
- ۸- نواهد الأبکار و شواهد الأفکار.

تمام این کتاب‌ها بر اساس آنچه که ما گفتیم دارای معانی به ظاهر نامقدسی هستند اما غالباً این کتاب‌ها با آیاتی از قرآن یا حدیث پیامبر ﷺ شروع می شوند، تا صفت نامقدس بودن از این موضوع زایل گردد و بدون احساس تعصب خاص و یا حیای نابجا، به موضوع پرداخته شود. پژوهش در زمینه رابطه جنسی از نگاه آنتروپولوژی دینی، باعث می شود، فضاهای اجتماعی ای را که تفسیر نص فراهای قرآنی مرتبط با رابطه جنسی را احاطه کرده، از میان برداریم تا از یک سو، چارچوب فکری مفسر را دریابیم و از سوی دیگر، با روح عصری که تفسیر در آن نوشته شده آشنا شویم، و در نهایت، حقیقتی اجتماعی را دریابیم که تابع تغییرات و سنت‌های رفتاری موجود است و در واقع، این حقیقت، قانون الهی ثابتی نیست که لایتغیر باشد. با توجه به این موضوع، پرسشی به ذهن متبادری شود و آن اینکه آیا ما قضایا و احکام متعلق به رابطه جنسی را تابع پیشرفت های جامعه می دانیم یا آنها در قالب فرض دینی ثابتی باقی مانده اند؟



به عنوان نمونه در مساله تجاوز جنسی، اسلام وجود چهار شاهد را شرط می‌کند. زنی که مورد تجاوز قرار گرفته و چهار شاهد نداشته باشد، به خاطر تهمت زدن به تجاوز کننده، حد زده می‌شود. این در مجازات زنا، یک کوتاهی و نقص است. و تعریف گواه (وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ) (و گواه بگیرید دو نفر از میان مردانتان، پس اگر دو مرد موجود نبود، یک مرد و دو زن را گواه بگیرید). این تعریف برای جامعه آن روز مناسب بود، اما امروزه کشف جنایتکار پیشرفته شده و اثر انگشت گرفته می‌شود؛ همچنین اگر امروزه سه زن به جای دو مرد و یا یک مرد و دو زن به جای دو مرد برای مساله زنا شهادت دهند، آیا این نقص در بحث تعداد گواه و شاهد است؟ البته پاسخ به چنین پرسشهایی، مجال دیگری می‌طلبد؛ همچنانکه اشاره شد، تقدس یا عدم تقدس رابطه جنسی، تابع تفکر آنترپولوژی مفسر و دیدگاه خاص وی در مورد این پدیده به ظاهر نامقدس است، هر چند قرآن این پدیده را مقدس می‌داند.

۲- نمونه های تفسیر جنسی برخی آیات قرآن:

۱- خداوند متعال فرموده: ﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾ (غافر/۱۹) (خیانت چشم‌ها و آنچه سینه‌ها مخفی می‌کنند را می‌داند). معنای عمومی و سطحی این آیه، در رفتار ما می‌تواند نمود پیدا کند؛ این رفتار، برخاسته از شهوتی است که محرکش، رابطه جنسی است. این نکته را درسرخن ابن عباس می‌توان دید آنجا که می‌گوید: منظور این آیه مردی است که وارد خانواده‌ای می‌شود و در میان آن خانه، زن زیبایی است، یا از کنار خانواده‌ای عبور می‌کند که در میان آن زن زیبایی است، و وقتی خانواده غفلت می‌کنند، چشمان مرد به او می‌افتد، اما وقتی دوباره حواس خانواده جمع می‌شود، مرد چشم‌هایش را پایین می‌اندازد و دوباره وقتی که غفلت می‌کنند، مرد چشم‌هایش به آن دختر می‌افتد و وقتی که دوباره حواسشان جمع می‌شود، مرد چشم‌هایش را پایین می‌اندازد؛ خداوند از ته دل این فرد خبر دارد و می‌داند که می‌خواهد به شرمگاه آن زن برسد. (ابن کثیر، ۲۰۱۰م: ۴ / ۱۸۲).

four period
The seven number
autumn and winter
2021-2022

گرچه به گفته ابن عباس، این آیه مربوط به مسایل مخفی در قلب آدم است اما نمی‌توان معنی آیه را فقط در این یک مورد منحصر کرد، و این آیه از مواردی است که توصیف نص مقدس، به شکل جنسی و از طریق توصیفی مرتبط با رابطه جنسی، صورت گرفته و تفاسیر مختلف آن را تایید می‌کند.

۲- نمونه دیگر آیه ﴿وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَخْرِينَ﴾ (حجر / ۲۴) (و به تحقیق ما می‌دانیم آنانی از شما که جلو می‌روند و آنانی که عقب می‌روند) است. دلالت آیه بدون دانستن سیاق و اسباب نزولش مبهم است. از تفسیر مفسرین اینگونه به نظر میرسد که انگیزه نزول این آیه انگیزه ای جنسی است که عبارت است از شهوت نگاه کردن زیر چشمی به زنان که برخی از صحابه رسول خدا در اثنا نماز به آن مبتلا بودند. حکایت اینگونه است که ترمذی، نسائی و حاکم از ابن عباس روایت کرده‌اند: «زنی زیبا از زیبارویان، پشت پیامبر نماز می‌خواند. برخی نمازگزاران از صحابه، درصاف اول نماز ایستادند تا مبادا او را ببینند و برخی دیگر نیز درصاف آخر ایستادند تا وقتی رکوع می‌روند از زیر بغل به او نگاه نمایند که در نتیجه خداوند این آیه را نازل کردند.» (ابن کثیر، ۲۰۱۰م: ۲ / ۱۲۱؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق: ۵ / ۲۹۶؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ۲۹۰؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق؛ مسند عبدالله بن عباس: ۶ / ۵)

این دو مورد از موارد تفسیر جنسی آیات قرآنی مرتبط است و اگر به روایت‌های دیگر ذیل این آیه، بیش از این روایت، توجه کنیم، ناگزیر از تاویل آیه و تعدد برداشتهای تفسیری خواهیم بود.

ابوحامد محمد غزالی می‌گوید: از عکرمه و مجاهد روایت شده که آیه ﴿وَوَخَلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا﴾ یعنی انسان به خاطر وجود ضعف در کنترل میل جنسی، در قبال زنان نمی‌تواند صبر کند، و فیاض بن نجیح گفته: وقتی آلت تناسلی مرد بلند می‌شود، دو سوم عقلش می‌رود، و برخی دیگر می‌گویند یک سوم دینش می‌رود و... از ابن عباس در مورد آیه ﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾ اینچنین روایت شده که از منظور آن بلند شدن آلت تناسلی است. این یک بلای عمومی و غالب است؛ وقتی بلند می‌شود، هیچ عقل و دینی در برابر آن نمی‌تواند مقاومت کند، و با اینکه این مساله با ارزش، باعث بوجود آمدن زندگی دنیا و آخرت است اما قوی‌ترین وسیله چیرگی شیطان بر بنی



آدم است» (غزالی، ۲۰۰۵م: ۲ / ۱۲۰). این تعبیر واضحی از علت بیدار شدن شهوت انسانی است که شیطانی است و باعث می شود که میل جنسی به فرد نامحرم در صورت عدم کنترل، انسان را در ورطه آلودگی اخلاقی وارد کند. با این حال، برداشتهای جنسی واضح برخی مفسران، در خصوص پاره ای آیات- که در ظاهر هیچگونه معنای جنسی ندارند- این پرسش را ایجاد می کند که انگیزه این برداشتهای تفسیری و علت تخصیص آیه به مضامینی که در زمره دلالات لفظی نص قرآنی نیست چه بوده است؟ غزالی در توجیه و پذیرش این برداشت از آیه- پس از اینکه ذکر میکند که جنید گفته: من همانگونه که به قوت لایموت نیاز دارم، به جماع نیاز دارم- بیان داشته که همسر حقیقتاً حکم قوت لایموت را دارد و سبب طهارت قلب است و به همین دلیل رسول الله ﷺ به هر کسی که نگاهش به زنی می افتاد و آرزوی داشتنش بر دلش می افتاد، دستور می داد که برود و با همسر خودش جماع بکند تا به این وسیله وساوس نفسش دفع شود (غزالی، ۲۰۰۵م: ۲ / ۱۲۱).

۳- از آیاتی که ظاهر آیه باعث شده که برخی تفسیری جنسی از آن ارائه دهند، آیه ۴۴ نمل است: ﴿قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقِيهَا﴾ [به او گفته شد داخل قصر شود، پس زمانی که آن را دید گمان کرد که (زیرش) آب دریا است، بنابر این ساق هایش را ظاهر نمود (پاچه سلوارش را بالا کشید)]. در تفسیر ابن عجبیه، امور عجیبی و شگفتی در تفسیر این آیه آمده، و درباره ﴿وَكَشَفَتْ عَن سَاقِيهَا﴾ روایت شده که حضرت سلیمان قبل از آمدن بلقیس، دستوراتی داد که به این ترتیب اجرا شدند: قصری شیشه‌ای سر راه بلقیس ساخته شد و از زیرش، آب جاری گشت و ماهیها را در آن انداختند، و در بالای آن، تخت سلیمان را گذاشتند، و سلیمان بر تختش نشست، و پرندگان و جنیان و انسان ها به خدمتش مشغول شدند. این کارها را برای آن کرد که عظمت سلطنتش را بالا ببرد و نبوتش را اثبات کند. همچنین گفته شده: جن ها نمی خواستند سلیمان با بلقیس ازدواج کند، چون می ترسیدند که بلقیس اسرارشان را برای سلیمان فاش کند؛ زیرا بلقیس دختر جنیان بود، زیرا می ترسیدند که برای سلیمان بچه ای به دنیا بیاورد که هوش جن و انس را با هم داشته باشد، و بعد از سلیمان، پادشاه سخت گیر تری داشته باشند.

در نتیجه به سلیمان گفتند: در عقل بلقیس، ضعف وجود دارد، (یعنی دیوانه است) و ساق‌هایش پرموست، پایش مانند سم الاغ است. پس سلیمان به وسیله تغییر شکل تخت بلقیس، عقلش را سنجید، و قصری ساخت تا ساق‌ها و قدم‌هایش را ببیند که بلقیس هم آنها را ظاهر نمود، در نتیجه سلیمان مشاهده نمود که بلقیس صاحب بهترین ساق‌ها و قدم‌هاست، اما چون مو داشت، سلیمان خوشش نیامد و چشمش را به سمت دیگری کج نمود. سپس سلیمان به بلقیس گفت: ﴿إِنَّهُ صَرَحٌ مُرَدُّ مَمْلَسٌ مُسْتَوٌّ﴾؛ یعنی این قصر، شیشه‌ای، صاف و برافراشته است. مردم از آمدن گرفته شده و به معنای کسی است که در صورتش ریش ندارد، مردم در اینجا یعنی از شیشه است؛ سلیمان خواست که با او ازدواج کند، پس از موی ساقش خوشش نیامد و به شیاطین دستور داد که موهای پایش را ابتدا بتراشند، و سپس سلیمان با او نکاح کرد و دوستش داشت و او را در پادشاهی اش باقی گذاشت، و هر ماه یک بار به ملاقات او می‌آمد و سه روز نزدش می‌ماند، و از او صاحب بچه شد، و پادشاهی بلقیس با اتمام پادشاهی سلیمان تمام شد؛ پس پاک است ذاتی که پادشاهی تمام نمی‌شود. (ابن عجبیه، ۱۹/۴: ۱۹۹).

این برداشت، تفسیری تخیلی و انتزاعی است؛ زیرا علت ظاهر نمودن ساق‌های بلقیس را بیان کرده که نوعی دلالت جنسی است و به زعم خود، به راز وجود این جمله، در نص مقدس اشاره کرده که در حقیقت، اغراق بسیاری داشته و داستان‌سرایی کرده است.

همچنین شبیه این روایت، از ابن نجد نقل شده: «صرح به معنای قصر است و گفته شده به معنای صحن منزل است و روایت شده که سلیمان قبل از آمدن بلقیس دستور داد که سر راهش قصری از شیشه سفید ساخته شود و آب در زیرش جاری گردد و حیوانات آبی مانند ماهی در آن انداخته شود و تختش در جلوی قصر گذاشته شود، سپس سلیمان بر تخت نشست. بلقیس وقتی آمد گمان کرد که در قعر آب است، «لجئ الماء» جایی است که آب جمع می‌شود مانند دریا؛ پس پاچه شلوارش را بالا زد تا وارد قصر شود،... پس با او ازدواج کرد و او را در یمن باقی گذاشت و هر ماه نزد وی می‌آمد و برخی گفته اند که او را به همراه خودش در شام ساکن نمود. (ابن جزی، ۱۹۹۵م ۲/ ۱۳۲)

خواهرانشان یا زنان دیگر یا بردگان شان یا دنبال روندگانی که نیازجنسی درآنان نیست (مانند مخنث آن یا پیران فرتوت) یا کودکانی که هنوز بر عورت زنان آگاهی پیدا نکرده‌اند) است. یا تفسیر (وَلِدَانَ مُخَلَّدُونَ) (نوجوانانی همیشگی) یا ﴿وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ﴾ (الطور/۲۴) (پیوسته درگرداگرد آنان نوجوانان ایشان درچرخش و گردشند، انگار آنان مرواریدهای پنهان هستند)، و سایر آیات ازاین دست.

مثال‌هایی ازتفسیر جنسی دراحادیث نبوی وجود دارد که تفسیر جنسی نص قرآن و مرجعیت این گونه تفاسیر را با استناد به سخنان رسول اکرم ﷺ تأیید می‌کند؛ دراینجا به دو نمونه بسنده می‌کنیم:

نمونه اول: این سوال درتاریخ اسلام، پیوسته میان شیعه و اهل سنت مطرح بوده که قبل از ازدواج با کسی، آیا می‌توان درقالب متعه یا صیغه، با او رابطه جنسی داشت یا خیر. پاسخ مثبت به این سوال، نشان دهنده حکمی مطلق مانند پاسخهای مطرح درعلم جامعه‌شناسی نیست. درتبیین چنین پرسشی، این روایت که درمنابع اهل سنت آمده قابل استناد است: «ابن ابی ذئب می‌گوید: ایاس بن سلمه بن الأكوع ازپدرش ازرسول خدا ﷺ روایت کرده: «هر مرد و زنی که برای ازدواج با هم توافق کردند، سه شب با همدیگر [درقالب متعه و پس ازخوانده صیغه محرمیت] باشند و سپس اگر دوست داشتند، به آن اضافه کنند و گرنه ازهم جدا شوند» (بخاری، ۱۴۲۲ق: شماره ۵۱۱۹/۱۳۰۴). این حدیث دروازه تفسیر رابطه جنسی میان مرد و زن درزمان رسول خدا ﷺ را بازکرد و باعث تحقیق درمورد مشروعیت آن شد، تا آنجا که خود سلمه بن الأكوع درادامه روایت گفته: «نمی‌دانم این متعه مخصوص ما صحابه است یا برای تمام مردم است». درحقیقت، این موضوع ازمقتضیات اجتماعی بوده که درآن شرایط، مساله رابطه جنسی مدام درحال تطور و دگرگونی بوده و نگاه مرد به زن و رابطه اش با او، درزمره قوانین شرعی بوده که جامعه برای قانونمند کردن این رابطه، وضع کرده است. با این حال، درمنابع اهل سنت نقل شده: «علی ازجانب رسول خدا بیان کرده که این حکم منسوخ شده است.» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق: ۷۸/۹) هر چند درهمان منابع اهل سنت مانند شیعه این روایت نیز ازحضرتش نقل شده است:



ابن جریر از امام علی علیه السلام نقل می کند: «اگر عمر، متعه را ممنوع نمی کرد، جز افراد بدبخت، کسی زنا نمی کرد». (طبری، بی تا: ۹/۵؛ سیوطی، بی تا: ۲/۲۴۰؛ درخصوص منابع شیعه رک: کلینی، ۳۳۳ش: ۵/۴۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۳/۳۱). این دو روایت در تعارض با یکدیگر هستند و صرف نظر از تعارض این دو روایت، نشان می دهد که در هنگام بررسی مسائلی از این دست، و کاربستش در واقعیت اجتماعی، و تشخیص همگانی بودن یا اختصاصی بودن آن، نیاز به توجه به بعد آنترپولوژی فهم دینی داریم.

نمونه دوم: شیر دادن زن به فرد بزرگسال نمونه دیگری است که به نظر میرسد این واقعه صحیح بوده و به رسول خدا صلی الله علیه و آله منتسب است. حال سوال این است که چگونه پیامبری که فقط سخن پاک و مقدس بر زبانش جاری می گردد در این مورد به ظاهر نامقدس و قبیح صحبت کرده باشد؛ این حدیث در صحیح مسلم به این شکل آمده که ابو حذیفه بن عتبّه بن ربیعّه صحابی، سالم (غلام آزاد شده خود) را به فرزندخواندگی گرفت و آن پسر کوچک بزرگ شد و ریشش درآمد و نزد همسر ابو حذیفه رفت و آمد می کرد. این موضوع غیرت ابو حذیفه را برانگیخت و باعث معذب شدن همسرش نیز شده بود، زیرا لباسی نداشت که خود را از او به خوبی بپوشاند (لباسش نازک بود)؛ لذا تنها راه حل این مشکل طبق حدیثی که به رسول خدا منسوب است این بود که همسر ابو حذیفه به سالم شیر بدهد تا این گونه فرزندش قرار گیرد (مالک بن انس، ۱۴۰۶ق: ۲، صص ۱۲۳-۱۲۶؛ بخاری، ۱۴۲۲ق: ۹۸۱؛ مسلم، بی تا: ۴۶۴). بر فرض صحت این حدیث که البته در منابع شیعه مورد نقد واقع شده، از این حدیث نباید تفسیری نامقدس و قبیح ارائه داد بلکه باید دانست که این حدیث بازتاب دهنده حقیقتی اجتماعی است که مدافعان این گونه تفسیر آن، از بعد اجتماعی به چنین احادیثی نگاه می کند و آن را مطابق نظریات بشری خودشان تفسیر و تأویل می کنند، و به راحتی نمی توان مدعی شد که نشان دهنده دلالت قطعی الهی است، و قطعاً حدیث یاد شده معنای متعددی می تواند داشته باشد. اختلاف مفسرین در تفسیرهایشان و همچنین اختلاف شان در مورد نتایج حاصل از این حدیث، همین موضوع را بازتاب می دهد. مانند اختلاف علما در اینکه آیا در این حالت زن، مرد را مستقیماً از پستان شیر

دهد یا شیر را در شیشه شیر یا ظرفی دیگر بریزد و به او بنوشاند؟ بر فرض چنین احادیثی، نباید آن را به گونه ای با قرآن و مساله رضاع طفل پیوند زد و آن را مصداق آیه رضاع در قرآن (بقره: ۲۳۳؛ لقمان: ۱۴؛ احقاف: ۱۵) دانست، تا در عرف مردم، نامقدس جلوه داده شود و به قرآن معنایی دهد که شایسته قرآن نیست زیرا باعث تفسیرهای انحرافی و ناروای نصوص قرآنی، بدون توجه به بعد آنتروپولوژی این نصوص می‌شود.

به عنوان نمونه برخی همچون ابن عبدالبر معتقدند که نحوه شیر دادن زن به مرد بزرگسال همان گونه که ذکر شد به این صورت است که شیر دوشیده شده و نوشانده شود. اما اینکه زن پستانش را به دهان مرد بدهد، مانند شیر دادن به بچه، جایز نیست؛ زیرا این موضوع نزد همه عالمان حرام می‌باشد (قرطبی، ۱۴۱۲ق: ۸، صص ۲۵۶-۲۵۷).

نتایج:

۱- بیشتر پژوهش‌های جامعه‌شناسی که خود را پژوهش‌های صرفاً علمی و به دور از جنبه الهی در موضوع پدیده دین توصیف می‌کنند، در پدیده‌های مختلف دینی، با وجود حساسیت موضوع تشریح حقیقت متن مقدس، در قامت یک پژوهش اجتماعی ظاهر شده و دیوار قداست را از تفاسیر بشری نص الهی کنار زده‌اند. از این رو، بیشتر چنین تفاسیری، حقیقت درونی مفسر و حالت روحی اش را بازتاب می‌دهند نه بیانگر حقیقت نص مورد تفسیر.

۲- نص دینی از مهمترین موضوعات علوم جامعه‌شناسی و آنتروپولوژی است، و امکان بررسی آن مطابق شرایط بحث جامعه‌شناسی، تازمانی که پژوهشگر به دنبال حقیقت بحث باشد و بدون اینکه به قدسیت آن آسیب برسد، وجود دارد.

۳- نص قرآنی به موضوع رابطه جنسی به این اعتبار که اساس وجود انسان و راه ادامه حیات هستی است، با زبانی وحیانی و به دور از پستی و با عباراتی لطیف و الفاظی برگزیده پرداخته است.



۴- تفسیر جنسی برخی آیات، تابع فرهنگ مفسر در پارادایم تحلیل های اجتماعی و آنتروپولوژیک است که این موارد را در زمره تلاش های بشری قرار داده و از این رو دلالت حقیقی نص قرآنی را ۱۰۰٪ بازتاب نمی دهد و این موضوع، مجال را برای خوانش دوباره نص قرآنی و تاویل دوباره آن مطابق با قدسیتش، بازمی گذارد.

۵- پژوهش های آنتروپولوژیک دینی در جوامع اسلامی، نشان دهنده نقش محوری دین در بیشتر دیدگاه ها و سبک های زندگی است، و تفاسیر قرآن، میزان درک بشر و قدرت بحث و تحلیلش را نشان می دهد؛ این موضوع ضرورت توجه به نزدیکی مطالعات آنتروپولوژی با دین و بازنگری در بسیاری از برداشتهای بشری از نص قرآنی مطابق قدسیت آن را، ضروری می نماید. این موضوع مجال را برای بازنگری نقادانه و تحلیلی میراث اسلامی، فراهم می کند و باعث می شود به چیزی غیر از حقیقت در تحلیل نهایی فرازهای دینی به ویژه قرآنی نپردازیم.

منابع:

قرآن کریم

۱- ابن جزی، أبو القاسم محمد بن أحمد (۱۹۹۵م)، التسهیل لعلوم التّنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیة

۲- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی بن محمد (۱۳۷۹ق)، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفة، رقم کتبه و أبوابه و أحادیثه: محمد فؤاد عبدالباقي قام بإخراجه و صححه وأشرف علی طبعه: محب الدین الخطیب علیه تعلیقات العلامة: عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

۳- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، المسند، تحقیق: گروه محققان، بیروت: موسسه الرساله ۴- ابن عبدالبر قرطبی، ابو عمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، تحقیق: گروه محققان، مراکش: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية

۵- ابن عجبیه، احمد بن محمد بن محمد بنا لمهدی الحسنی (۱۴۱۹ق)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، محقق: أحمد عبدالله القرشی رسلان، قاهرة: نشر الدكتور حسن عباس زکی

four period
The seven number
autumn and winter
2021-2022

- ٦- ابن قيم، شمس الدّين محمد بن أبي بكر (٢٠٠٣م)، روضه المحيّن ونزهة المشتاقين، خرّج آياته و أحاديثه: أحمد شمس الدّين، بيروت: دارالكتب العلميّة
- ٧- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر (١٤١٩ق)، تفسير القرآن العظيم، محقق: محمد حسين شمس الدين، بيروت: دارالكتب العلميّة، منشورات محمد علي بيضون
- ٨- ابن ماجه، محمد بن يزيد (١٤١٨ق)، سنن ابن ماجه، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: دار الجيل
- ٩- ابن منظور، محمد بن مكرم (بي تا)، لسان العرب، بيروت: دار صادر
- ١٠- احمد، ابوبكر (٢٠١٢م)، الأنثروبولوجيا و الدّين، مجلّة التسامح، قاهره، ش ٥٩، ص ٢٨
- ١١- بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل (١٤٢٢ق)، الصحيح، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، بيروت: دار طوق النجاة
- ١٢- بوحدية، عبدالوهاب (٢٠٠١م)، الإسلام و الجنس، ترجمه و تعليق : هالة العورى، رياض الرئيس للكتب و النشر، بيروت.
- ١٣- ترمذى، محمد بن عيسى (١٤١٩ق)، الجامع الصحيح وهو سنن الترمذى، تحقيق: احمد محمد شاكر، قاهره: دار الحديث
- ١٤- تيلوين، مصطفى (٢٠١١م)، مدخل عام فيا لأنثروبولوجيا، بيروت: دار الفارابي
- ١٥- ثعالبى، ابو منصور (١٤٢٢ق)، فقها للغة و سرّ العربيّة، محقق: عبدالرزاق المهدي، بيروت: دار إحياء التراث العربى
- ١٦- حر عاملى، محمد بن حسن (١٤١٤ق)، وسائل الشيعه، قم: آل البيت
- ١٧- سامرائى، إبراهيم (١٩٧٩م)، مقدّمه فى تاريخ العربيّة (الموسوعة الصّغيرة ٥٣)، عراق: منشورات وزارة الثقافة والإعلام
- ١٨- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن أبى بكر (بي تا)، الدرالمثور، بيروت: دار الفكر
- ١٩- طبرى، محمد بن جرير (بي تا)، جامع البيان، بيروت: دار الكتب العلميّه
- ٢٠- عظيم آبادى، أبو عبدالرحمن (١٤٢٦ق)، عون المعبود على شرح سنن أبى داود، محقق: أبو عبداللها لنعمانى الأثرى، بيروت: دار ابن حزم
- ٢١- غراييه، إبراهيم (٢٠١٨م)، مقدسات و محرمات، مجلّة الابتسام، ش ٣٢، ص ٦١



٢٢- غزالی، ابو حامد محمد بن محمد (٢٠٠٥م)، إحياء علوم الدين، بيروت: دار ابن حزم للطباعة والنشر و التوزيع

٢٣- كليني، محمد بن يعقوب (١٣٦٣ش)، الكافي، طهران: دارالكتب الإسلامي ومطبعة الحيدرية

٢٤- مالك بن انس (١٤٠٦ق)، موطا الامام مالك، صححه و رقه و خرج أحاديثه و علق عليه: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي

٢٥- مباركفوري، صفى الدين (١٣٥٢ق)، تحفه الأحمدي في شرح سنن الترمذي، بيروت: مؤسسه الرسالة ناشرون

٢٦- مجلسي، الشيخ محمد باقر بن محمد تقي المجلسي، بحار الأنوار (١٤٠٣ق)، بيروت: مؤسسه الوفاء

٢٧- مسلم بن الحجاج (بي تا)، صحيح مسلم، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي

٢٨- منجد، صلاح الدين (١٩٥٨م)، الحياة الجنسية عند العرب، الطبعة الأولى، بيروت: دارالكتب.

٢٩- نصر، جعفر نجم (٢٠١٧م)، محاضرات في أنثروبولوجيا الدين، الجامعة المستنصرية، كلية الآداب، قسم الأنثروبولوجيا التطبيقية، المرحلة الرابعة، مركز ابن سينا.

References:

Holy Quran

1. Ibn Juzzi, Abu al-Qasim Muhammad bin Ahmad (1995 AD), Al-Tashel for -the download sciences, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah

2. Ibn Hajar Asqalani, Ahmad bin Ali bin Muhammad (1379 BC), Fath al-Bari with the explanation of Sahih al-Bukhari, Beirut: Dar al-Ma'rifa, the number of his books, chapters and hadiths: Muhammad Fouad Abd al-Baqi. It was edited and corrected and oversaw its edition: Muhib al-Din al-Khatib. Comments by Mark: Abd Aziz bin Abdullah bin Baz

3. Ibn Hanbal, Ahmad bin Muhammad (1416 BC), Al-Musnad, Edited by: Two investigators, Beirut: Al-Resala Institute.

4. Ibn Abd al-Bar al-Qurtubi, Abu Omar Yusuf bin Abdullah (1412 BC), the preface to the meanings and chains of transmission in al-Muwatta, investigative by: Two investigators, Marrakesh: Ministry of Awqaf and Islamic Affairs

four period
The seven number
autumn and winter
2021-2022

5. Ibn Ajiba, Ahmed bin Muhammad bin Al-Mahdi Al-Hasani (1419 BC), Al-Bahr Al-Madid fi Tafsir Al-Qur'an Al-Majid, Investigator: Ahmed Abdullah Al-Qurashi Raslan, Cairo: Published by Dr. Hassan Abbas Zaki
6. Ibn Qayyim, Shams al-Din Muhammad ibn Abi Bakr (2003 AD), The Kindergarten of Lovers and the Excursion of the Missing, extracted his verses and hadiths: Ahmad Shams al-Din, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya
7. Ibn Kathir, Abu al-Fida Ismail bin Omar (1419 BC), Interpretation of the Great Qur'an, Investigator: Muhammad Husayn Shams al-Din, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Publications of Muhammad Ali Beydoun
8. Ibn Majah, Muhammad bin Yazid (1418 BC), Sunan Ibn Majah, Edited by: Bashir Awwad Maarouf, Beirut: Dar Al-Jeel
9. Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram (Bi Ta), Lisan Al Arab, Beirut: Sader House
10. Ahmed, Abu Bakr (2012 AD), Anthropology and Religion, Journal of Tolerance, Cairo, No. 59, p. 28
11. Bukhari, Abu Abdullah Muhammad bin Ismail (1422 BC), Al sahih, investigator: Muhammad Zuhair bin Nasser al-Nasir, Beirut: Dar Tuq al-Najat.
12. Bouhadiba, Abdel Wahab (2001 AD), Islam and gender, translation and commentary: Hala Al-Auri, Riad Al-Rayes for Books and Publishing, Beirut.
13. Tirmidhi, Muhammad ibn Issa (1419 BC), the Sahih Mosque, which is Sunan al-Tirmidhi, investigative by: Ahmed Muhammad Shakir, Cairo: Dar al-Hadith.
14. Tilwin, Mustafa (2011 AD), General Introduction to Anthropology, Beirut: Dar Al-Farabi.
15. Tha'labi, Abu Mansour (1422 BC), Philology and the Secret of Arabic, Investigator: Abd al-Razzaq al-Mahdi, Beirut: House of Revival of Arab Heritage.
16. Hurr Amili, Muhammad bin Hassan (1414 BC), Wasa'il al-Shi'a, Qom: Aal al-Bayt
17. Samarra'i, Ibrahim (1979 AD), Introduction to the History of Arabic (Small Encyclopedia 53), Iraq: Publications of the Ministry of Culture and Information
18. Siouti, Jalal al-Din Abd al-Rahman ibn Abi Bakr (Bi Ta), Dorr al-Manthur, Beirut: Dar al-Fikr
19. Tabari, Muhammad bin Jarir (BTA), Jami' al-Bayan, Beirut: Scientific Books House.
20. Azimabadi, Abu Abd al-Rahman (1426 BC), Awn al-Mabood Ala Sharh Sunan Abi Dawood, Investigator: Abu Abdullah al-Nu'mani al-Athari, Beirut: Ibn Hazm House



21. Gharaibeh, Ibrahim (2018 AD), Holys and Forbiddens, Al-Ibtisam Magazine, p. 32, p. 61
22. Ghazali, Abu Hamid Muhammad bin Muhammad (2005 AD), The Revival of Religious Sciences, Beirut: Dar Ibn Hazm for printing, publishing and distribution.
23. Keleni, Muhammad ibn Yaqoub (1363 st), al-Kafi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islami and al-Haidariya Press.
24. Malik bin Anas (1406 BC), Movta of Imam Malik, corrected and numbered, and his hadiths came out and commented on: Muhammad Fouad Abd al-Baqi, Beirut: House of Revival of Arab Heritage.
25. Mubarakpuri, Safi al-Din (1352 BC), Tuhfat al-Ahwadhi fi Sharh Sunan al-Tirmidhi, Beirut: Al-Risala Foundation Publishers
26. Majlesi, Sheikh Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi al-Majlisi (1403 BC), Bihar al-Anwar, Beirut: Al-Wafa Foundation
27. Muslim ibn al-Hajjaj (BTA), Sahih of Muslim, Investigator: Muhammad Fouad Abd al-Baqi, Beirut: House of Revival of Arab Heritage.
28. Munajid, Salah al-Din (1958 AD), Sexual Life among Arabs, first edition, Beirut: Dar al-Kutub.
29. Nasr, Jaafar Najm (2017 AD), lectures in the anthropology of religion, Al-Mustansiriya University, College of Arts, Department of Applied Anthropology, fourth stage, Ibn Sina Center.

four period

The seven number

autumn and winter

2021-2022